

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۶۸ - ۱۴۵

اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری با نگاهی به فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره)

عباس کرمی پری خانی^۱محمد مهدی زارعی^۲علی اکبر ایزدی فرد^۳

چکیده

بررسی تعارضات میان دو اصل «مشروعیت تحصیل دلیل کیفری» و «آزادی تحصیل دلیل» می‌تواند ضمن فراهم آوردن امکان شناخت جامع تر نسبت به این دو اصل مترقی برای حقوق داخلی، خاصه حقوقدانان دستگاه قضایی مفید فایده واقع و موجب گسترش آزادی‌های فردی و حفظ هرچه بیشتر کرامت انسانی افراد در سایه تعالی حقوق گردد. علاوه بر اینکه ادله‌ای که در فرآیند دادرسی مورد استفاده دادرس قرار می‌گیرند باید جز ادله قانونی و مشروع مذکور در قانون باشند، طریق تحصیل و جمع‌آوری این ادله نیز باید به صورت قانونی و مطابق شرع انور و اخلاق حسنه باشد؛ چرا که عدم رعایت این ضوابط، هرچند که منجر به به دست آوردن دلائل مهمی نیز شود که بتواند حقیقت را برای قاضی کشف کند و منجر به احقاق حق اشخاص گردد، این دلائل حاصله را از حیز اعتبار خارج می‌کند و نمی‌تواند مستند رأی قاضی قرار بگیرد. توجه به این امر بسیار پر اهمیت است چرا که عدم رعایت موازین شرعی و قانونی و نقض حریم خصوصی افراد، موجب بی اعتباری این دلائل خواهد شد که نهایتاً منجر به اختلال در فرآیند دادرسی و تضییع حقوق افراد می‌گردد. در فرمان هشت ماده‌ای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) نیز به این مبانی اشاره شده و ایشان نیز دلائلی را که با نقض حریم خصوصی افراد و اقدامات غیرقانونی تحصیل شده باشد را فاقد اثر و غیر قابل افشاء و استناد دانسته‌اند. در کلام امام خمینی (ره) به صراحت در رابطه با عنوان تحصیل دلیل اظهار نظر نشده است، اما ایشان نیز از یک سو بر بی طرفی دادرس اشاره نموده و از سوی دیگر، بر ضرورت کشف حقیقت تأکید کرده است. بر همین اساس می‌توان دیدگاه منتخب در خصوص تحصیل دلیل را منطبق با نظر امام (ره) دانست که این پژوهش قصد دارد به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع بپردازد و خلاءهای قانونی در این خصوص را واکاوی نماید.

واژگان کلیدی

ادله کیفری، اصل مشروعیت، تحصیل دلیل، فرمان امام خمینی (ره).

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
Email: v.karami@umail.umz.ac.ir

۲. استادیار، گروه فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: m.zarei@umz.ac.ir

۳. استاد، گروه فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
Email: Ezdifard@umz.ac.ir

طرح مسأله

یکی از اصول مترقی حقوقی در حفظ و صیانت از حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع افراد جامعه «اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری» می‌باشد؛ و مفهوم این اصل حقوقی این است که در فرآیند جمع‌آوری و تحصیل ادله و مدارک در جهت رسیدگی‌های کیفری و کشف جرائم و تعقیب افراد باید به‌دست‌آوردن دلیل از طریق مشروع و مطابق قانون بوده و تحصیل ادله موجب نقض حقوق شهروندی و هتک حیث افراد و اماکن شخصی ایشان نشود. در مقابل این اصل، با توجه به لزوم حفظ امنیت جامعه و توفیق در رسیدگی‌های قضایی و کشف جرم، «اصل آزادی تحصیل دلیل» وجود دارد که نه‌تنها به مقامات و ضابطین قضایی این اجازه را می‌دهد، بلکه تکلیف می‌کند که از کلیه امکانات و طرق ممکن نسبت به کشف دلیل در جهت حفظ امنیت جامعه، کشف حقیقت و احقاق حقوق بزه‌دیدگان استفاده نموده و تمام تلاش خود را بدان معطوف نمایند. علیهذا ملاحظه می‌شود که این دو اصل پیش‌گفته که یکی درصدد تأمین حقوق شهروندی و آزادی افراد جامعه است و دیگری مترصد تأمین امنیت جامعه است دارای تعارضاتی با یکدیگر می‌باشند که جمع میان این دو اصل با حفظ دو آرمان آزادی و امنیت نیاز به تدبیری حکیمانه از سوی مقنن دارد تا توازن میان این دو اصل در نظام قضایی کشور حفظ و موجب تحقق امنیت جامعه در عین حفظ آزادی و کرامت انسانی افراد گردد. بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه نیز که در عین رهبری جمهوری اسلامی ریاست مرجعیت شیعه را نیز بر عهده داشته و فقیه نامور عصر خویش می‌باشد با درک ضرورت تحقق اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری در دستگاه قضایی و قوانین کشور به‌منظور حفظ و صیانت از آزادی‌های مشروع افراد جامعه و احترام به کرامت انسانی ایشان، در سال‌های ابتدایی تشکیل جمهوری اسلامی در فرمان هشت‌ماده‌ای خود که خطاب به قوه قضاییه و ارگان‌های اجرایی و جمیع متصدیان امور کشور صادر فرمودند و نکات مهمی را در ارتباط با حقوق مردم، قانون، قوه قضاییه و لزوم اسلامی شدن روابط و قوانین بیان داشتند، به مفاد اصل مشروعیت تحصیل ادله نیز اشاره نموده و با ذکر مصادیق بر حفظ و صیانت از این اصل در جهت جلوگیری از اشاعه فحشاء و حفظ کرامت انسانی افراد و رعایت حریم خصوصی شهروندان تأکید نموده‌اند. ایشان دربند ششم از این فرمان به ممنوعیت ورود بدون اذن به منازل و حتی مغازه‌ها و سایر محل‌های شخصی افراد تأکید داشته و عنوان می‌دارند کسی نباید برای کشف جرم به مکان‌های درب بسته و شخصی افراد وارد شود و همچنین مکالمات افراد را شنود کند و هیچ کس حق ندارد درصدد کشف اسرار مردم باشد و از گناهان مردم تجسس نماید و حق افشای این اسرار را نزد دیگری ندارد و بعضی از این امور را مصداق اشاعه فحشاء و از گناهان کبیره دانسته و مرتکب آن

را مجرم و مستحق تعزیر شرعی و بعضاً مستحق حد شرعی دانسته‌اند. ملاحظه می‌شود که امام عظیم شأن انقلاب در این بند از فرمان خود به قوای کشور، ضمن بیان لزوم احترام به آزادی و حریم خصوصی افراد و ممنوعیت هتک حیثیت و حریم خصوصی ایشان علاوه بر جرم‌انگاری این قبیل رفتار، به حرمت شرعی آن‌ها نیز تأکید داشته و رفتارهای خلاف این اصول را از گناهان کبائر و بسیار بزرگ شمرده‌اند. لکن مرحوم امام (ره) در عین توجه به حفظ حریم خصوصی افراد و احترام به آزادی‌های مشروع ایشان و تأکیدات مکرر بر این امر، از امنیت عمومی جامعه و جلوگیری از سوءاستفاده‌های افراد تبهکار نیز غافل نبوده و در عین بیان لزوم احترام به حریم خصوصی افراد در بند هفتم از فرمان خود می‌فرماید: «آنچه در ماده قبلی ممنوع اعلام شده است در غیر از موارد توطئه گروهک‌های معاند با اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که با تشکیل گروه‌های مخالف نظام اقدام به ترور اشخاص مجاهد و مردم بی‌گناه می‌کنند و به قصد افساد فی الارض اجتماع می‌نمایند و محارب با خدا و رسول او می‌باشند که باید با آن‌ها با قاطعیت و شدت عمل در عین احتیاط کامل برخورد بشود» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۴۰).

علیرغم پذیرش اصل مشروعیت ادله کیفری و انعکاس مفاد آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تأکیدات رهبر کبیر انقلاب بر مفاد این اصل، لکن آنچه موجب صیانت تام و تمام از این اصل مترقی می‌گردد تا دستاوردهای آن در جامعه محقق گردد، تبیین کامل آن در قوانین خصوصاً قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد و با وضع ضمانت اجرای مناسب از کیان این اصل صیانت نموده تا مقامات و ضابطین قضایی و سایر مردم با تمسک به بهانه‌های مختلف متعرض این اصل انسانی نشده و به بهانه کشف حقیقت و اجرای عدالت با سلب آزادی‌های مشروع افراد و هتک حیثیت و حریم خصوصی ایشان این اصل را نقض نکنند. لکن در حال حاضر آنچه از قوانین موضوعه جاری در نظام کیفری ایران مستفاد است ملاحظه می‌گردد علیرغم پذیرش آن در قوانین بالادستی و تأکیدات رهبر کبیر انقلاب بر این اصل، ضمانت‌های اجرای مناسب در قوانین پایین‌دستی در جهت صیانت از این اصل وضع نشده است که این امر موجب برخی سوءاستفاده‌ها و اختلاف برداشت‌ها و تعارض در رویه‌های قضایی در سایه این خلأ قانونی شده است. این نوشتار قصد دارد در ضمن تشریح اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری و بررسی رویه قضایی موجود به تبیین این خلأهای قانونی پرداخته و در جهت تحقق اصول قانون اساسی و منویات رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره)، در نظام قضایی کشور و تجلی دستاوردهای آن در جامعه ایران اسلامی گام بردارد.

۱- کیفیت تحصیل دلیل در حقوق ایران

مطابق ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی، دلائل اثبات دعوی در امور مدنی عبارتند از: اقرار، اسناد کتبی، شهادت، امارات و قسم. و اما در امور کیفری حسب ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی ادله اثبات جرم عبارتند از: اقرار، شهادت، قسامه، سوگند و علم قاضی و علیرغم تفاوت در الفاظ در بیان ادله اثبات دعوی و ادله اثبات جرم، لکن فی الجمله تفاوتی میان ادله مذکور نبوده و اسناد کتبی و امارات نیز می‌تواند منشاء علم قاضی باشد.

در بدو امر ممکن است اظهار شود که «تحصیل دلیل» در شریعت اسلام به صراحت منع شده است، زیرا آیه ۱۲ سوره حجرات از تجسس منع نموده^۱ و امیرالمؤمنین علی (ع) نیز حاکم را از آن امر بر حذر می‌دارد.^۲ همچنین بر منع تجسس ادعای اجماع شده است (کاظمی، ۱۳۶۵: ۱۵۰). اصل ۲۵ قانون اساسی نیز در این خصوص مقرر می‌دارد: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون»، اما قلمرو حرمت تجسس ناظر بر اسرار شخصی و خانوادگی اشخاص است که با مصالح عمومی جامعه هیچگونه ارتباطی ندارد (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۵۲). لذا استنباط ممنوعیت تحصیل دلیل از قاعده منع تجسس و ادله شرعی صحیح نیست. در واقع در فقه به تحصیل دلیل از جانب قاضی پرداخته نشده، اما در خصوص مواردی بحث گردیده که می‌تواند در استنباط حکم راهگشا باشد. متون فقهی از مجرای علم قاضی چهارچوب گسترده‌ای را برای پذیرش و اعتباربخشی به ادله نوین و مبتنی بر علم فراهم آورده‌اند. از مجرای دریچه علم قاضی می‌توان طیف گسترده‌ای از ادله، از جمله ادله حاصل از فناوری‌های نوین را مشروعیت بخشید و آن‌ها را در اثبات امر کیفری له یا علیه متهم به کار بست. متأسفانه طی سالیان اخیر در کشور، از این مجرای فراخ فقهی در موضوع ادله حاصل از فناوری‌های نوین بهره‌برداری نشده و همچنان محاکم در امر بهره‌مندی از ادله‌ای مانند صوت و تصویر یا ادله الکترونیک با محدودیت و ابهام و اجمال مواجه شده‌اند. موضوعی که سال‌ها است در دیگر کشورها به صورت کامل حل شده و این ادله به محاکم در پیشبرد پرونده‌ها کمک شایانی می‌نمایند (مهریزی، ۱۳۸۷: ۹۸).

در رسیدگی‌های کیفری خصوصاً در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا، بازپرس جهت اثبات

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (سوره حجرات، آیه ۱۲).

۲. «ضرورت دارد که دورترین افراد رعیت از تو و دشمنترین آنان نزد تو، کسی باشد که بیش از دیگران عیبجوی مردم است، زیرا در مردم عیب‌هایی است و والی از هر کس دیگر به پوشیدن آنها سزاوارتر است. از عیب‌های مردم آنچه از نظرت پنهان است، مخواه که آشکار شود، زیرا آنچه بر عهده توست، پاکیزه ساختن چیزهایی است که بر تو آشکار است و خداست که بر آنچه از نظرت پوشیده است، داوری کند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

مجرمیت متهم یا برائت او اقدام به انجام تحقیقات و گردآوری دلایل می نماید. در مرحله تحقیقات، تحصیل دلیل باید به گونه‌ای باشد که آزادی اراده افراد حفظ شود، چرا که اقتضای اجرای عدالت حفظ آزادی افراد است مگر در مواردی که قانون تصریح به ایجاد برخی محدودیت‌ها برای افراد در مسیر تحقیقات داشته باشد.

در انجام تحقیقات و گردآوری دلایل آزادی تحصیل دلیل مطلق نبوده و با توجه به ضرورت رعایت تحصیل دلیل از طرق قانونی و مشروع اصل آزادی تحصیل دلیل با اصل مشروعیت تحصیل ادله تعارض نموده و تخصیص می‌خورد. همان‌گونه که باید امنیت اجتماعی در جامعه تأمین و موجبات پیشگیری از اخلال در نظم جامعه فراهم گردد، باید در جهت تأمین منافع خصوصی افراد جامعه نیز تلاش شود. همانطوری که در تحقیقات کیفری جمع‌آوری ادله و تأمین منافع خصوصی شخص شاکی و زیان دیده و حفظ امنیت جامعه موردتوجه است که مبتنی بر اصل آزادی تحصیل دلیل می‌باشد از سوی دیگر حفظ حریم خصوصی اشخاص و حفظ کرامت انسانی افراد جامعه نیز باید در اولویت باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

علیرغم اینکه در تحقیقات کیفری بازپرس موظف به جمع‌آوری ادله و کشف حقیقت و کمک به شاکی در احقاق حق خویش و اثبات مجرمیت متهم می‌باشد برخلاف رسیدگی در امور مدنی که قاضی شخصاً نمی‌تواند اقدام به تحقیق و کشف دلیل و کمک به یکی از طرفین پرونده نماید، لکن ادله‌ای که از طریق شکنجه و فشار و زور و تهدید به دست آمده باشد نمی‌تواند مبنای حکم و رأی قاضی قرار بگیرد و همچنین دلایلی که از طریق مجرمانه تحصیل شده باشد مانند شنود غیرمجاز و گزارشات مأمورینی که برخلاف قانون و بدون مجوز قضایی اقدام به ورود به منزل و حریم خصوصی افراد نموده‌اند. حتی در مواردی که دلیل تحصیل شده از راه غیراخلاقی و غیرصادقانه تحصیل شده باشد؛ مانند اینکه از مجلس خصوصی افراد به صورت مخفیانه فیلمبرداری شده یا از مکالمه خصوصی صدایی ضبط شود که استناد به این دلایل نیز مخدوش بوده و نمی‌تواند مبنای حکم عادلانه قرار بگیرد. چرا که شاید استناد به یک دلیل که از طریق غیراخلاقی مانند استراق سمع تحصیل شده باشد در مواردی جرمی را علیه شخصی اثبات کند و کاشف حقیقت باشد و به نفع شاکی و زیان دیده، لکن در ابعاد بزرگ‌تر اجتماعی باعث بی‌اعتمادی افراد به یکدیگر و سلب آرامش روانی جامعه خصوصاً در حریم خصوصی افراد می‌گردد که دارای تبعات زیان‌بارتری می‌باشد (طاهری بجد، ۱۳۹۳: ۵۰).

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی یکی از قوانین مترقی در جمهوری اسلامی در این خصوص است که می‌تواند ملاک روشنی برای نحوه تحصیل دلیل در رسیدگی‌های قضایی باشد. من جمله تأکید بر لزوم حاکمیت قانون در مراحل مختلف دادرسی کیفری که در بند اول این قانون مورد تأکید قرار گرفته و احترام به اصل برائت متهمین که در

بند دوم این قانون آمده است و همچنین رعایت حق دفاع برای متهم و حق داشتن وکیل که موضوع بند سوم قانون احترام به آزادی‌های مشروع است. همچنین در سایر بندهای این قانون نیز به حقوق و تکالیفی اشاره شده که متضمن حفظ حقوق متهمین و کرامت انسانی افراد و حفظ حریم خصوصی ایشان می باشد، مانند عدم آزار و اذیت افراد در فرایند تحقیقات و دادرسی و اجتناب از تعرض به حقوق متهمین در انجام تحقیقات و بازرسی ها و همچنین ممنوع بودن اخذ اقرار به عنف و به وسیله شکنجه و تأکید بر ممنوعیت تجسس در اسرار خانوادگی و شخصی افراد که از تأکیدات مهم و مفید این قانون می باشد (دیانی، ۱۳۹۵: ۱۵).

در بحث اثبات حدود و قصاص قانون گذار مطابق شرع انور ادله اثباتی را تعیین و محصور نموده و قاضی را مکلف به رعایت آنها و صدور حکم بر مبنای آن دانسته است و هر یک از حدود با دلیل و نصاب خاصی قابل اثبات است. ولی در جرائم تعزیری علاوه بر ادله اثبات قانونی که در قانون مجازات اسلامی مصوب شده است علم قاضی نیز یکی از ادله اثبات شناخته شده است که قاضی می تواند با توجه به قرائن و امارات موجود و حتی توجه به عرف جامعه و... با حصول علم و اقناع وجدانی مبادرت به صدور رأی نماید.

۲- اصل آزادی تحصیل دلیل

علیرغم اینکه در دادرسی حقوقی دادرس از تحصیل دلیل منع شده است به جهت اینکه تحصیل دلیل نهایتاً به نفع احدی از اصحاب دعوا خواهد بود و این امر مخالف با اصل بی طرفی دادرس می باشد. لکن در رسیدگی کیفری نه تنها قاضی از تحصیل دلیل منع نشده؛ بلکه وظیفه اصلی قاضی تحصیل دلیل و تلاش در کشف واقعیت است. با توجه به اینکه در دادرسی کیفری حفظ امنیت جامعه و نظم اجتماعی مورد توجه است و در اولویت قرار دارد و مصلحت آن فوق مصالح شخصی و حتی حریم خصوصی اشخاص است هیچ محدودیتی برای قاضی در تحصیل دلیل وجود ندارد و تمام تلاش قاضی باید در جهت کشف حقیقت و حفظ و صیانت از امنیت و نظم جامعه باشد مگر در مواردی که قانون منعی را مطرح کرده باشد. خصوصاً در مرحله دادرسی «یکی از اصول حاکم بر تحقیقات مقدماتی، اصل آزادی قاضی تحقیق در انتخاب شیوه تحقیقات است و قاضی تحقیق اختیار دارد که هر شیوه‌ای را که برای کشف حقیقت لازم است، انجام دهد» (زراعت، ۱۴۰۰: ۷۱)

اساساً وظیفه اصلی بازپرس در دادرسی، تحقیقات است که در مرحله دادرسی به آن تحقیقات مقدماتی اطلاق می شود که قانون گذار در ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری تحقیقات مقدماتی را اینگونه تعریف می کند «مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علایم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار

یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود.» و حتی در مرحله دادگاه نیز مطابق ماده ۳۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «دادگاه علاوه بر رسیدگی به ادله مندرج در کیفرخواست یا ادله مورد استناد طرفین، هر گونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم است را با قید جهت ضرورت آن انجام می‌دهد».

«لزوم اهمیت دوچندان رسیدگی دقیق به دلایل اثبات دعوی در امور کیفری، به دلیل پیش‌گیری از مجازات فرد بی‌گناه و نیز لزوم مجازات فرد گناهکار است» (دیانی، ۱۳۹۵: ۱۲) به همین جهت نظر به محدود نبودن ادله و مستندات در امور کیفری قاضی باید تمامی دلایل و امارات و حتی قرائن که می‌تواند منجر به کشف حقیقت گردد را جمع‌آوری و بررسی نماید. از این اصل تحت عنوان «اصل آزادی تحصیل دلیل» یاد شده است، «به موجب این اصل، قاضی در حدود قانون، مختار است هر کاری را که برای کشف حقیقت لازم می‌داند انجام دهد؛ لذا نباید خود را محدود به بررسی دلایل مورد استناد طرفین کند.» (خالقی، ۱۴۰۰: ۷۱)

۳- اصل مشروعیت تحصیل دلیل

در تعریف اصل مشروعیت تحصیل دلیل به زبان ساده می‌توان گفت که منظور از این اصل و رعایت آن این است که در تحقیقات و جمع‌آوری ادله باید به گونه‌ای عمل شود که تحقیقات و خود روش به دست‌آوری دلیل باید مطابق قانون و موازین شرعی باشد و فرایند تحقیقات و جمع‌آوری ادله به نحوی نباشد که از سوی مقامات و ضابطین قضایی موجب نقض قانون و عدم رعایت موازین شرعی گردد و در عین انجام تحقیقات و جمع‌آوری دلایل حریم خصوصی افراد و کرامت انسانی و حقوق شهروندی انسان‌ها رعایت گردد و تحقیقات قضایی بهانه‌ای برای نقض این حریم‌ها نباشد. در گستره‌ای بالاتر و رعایت دقیق این اصل می‌توان گفت که حتی در هنگام تحصیل ادله باید اصول اخلاقی و شئون اجتماعی و انسانی نیز رعایت گردد (خالقی، ۱۴۰۰: ۷۰).

«اغلب فقهای عامه معتقدند حکمت وضع اوامر و نواهی شرعی اقتضاء می‌کند که مطلقاً عمل بر خلاف آنها باطل باشد و اثری بر آن مترتب نشود، و حنفیه قائل به تفصیل هستند، و در جایی که عمل ناقض اوامر متضمن مصالح اجتماعی و حقوق الهی باشد باطل خواهد بود. از منظر فقه امامیه نیز رعایت موازین شرعی و قانونی در تحقیقات قضایی و انتظامی ضرورت داشته و تخطی از آن ممنوع است.» (فتحی و رضایی، ۱۳۹۸: ۱۹) همچنین در روایت نقل شده از ائمه معصومین (سلام الله علیهم) تصریح شده است که دلائلی که از طرق غیر شرعی تحصیل شده اند فاقد اعتبارند چنانچه «از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند، امام علی (ع) فرمود: چنانچه شخصی با ضرب و زندان کردن تخفیف داده شود و اعتراف نماید حد قطع بر وی جاری

نمی‌گردد. و همچنین اگر به‌خاطر ترساندن اقرار نمود حد از وی ساقط می‌گردد» (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۴۹۷).

مراعات اصل مشروعیت تحصیل ادله از موضوعات اساسی و مهم در کشف جرائم خصوصاً در پرونده‌های کیفری بوده و به جهت کشف حقیقت و ایجاد امنیت اجتماعی و نظم عمومی و مجازات مجرمین نمی‌توان رعایت این اصل را نادیده گرفت. در صورتی که بدون رعایت این اصل و از طریق غیرقانونی و غیرشرعی و در مواردی حتی از طریق غیراخلاقی مانند فریب و نیرنگ ادله تحصیل شود این دلایل نمی‌تواند مبنای صدور حکم و مستند علم قاضی باشد و چنانچه در رأی قاضی به چنین ادله ای استناد گردد این رأی را از درجه اعتبار ساقط نموده و باعث نقض آن در مراجع بالاتر می‌گردد. فلذا وسایل و ادله غیرقانونی و غیرشرعی حتی اگر علمی بوده و موجب اقناع وجدانی قاضی و حصول علم برای وی گردد قابلیت استنادپذیری ندارد.

امروزه روش‌های علمی متعددی برای کشف جرم و دسترسی به حقیقت به وجود آمده است، روش‌هایی مانند تزریق داروی پانتوتال که به سرم حقیقت معروف است و استفاده از دستگاه‌هایی که عکس‌العمل افراد را مورد سنجش قرار می‌دهد و در زمانی که شخص متهم مورد بازجویی قرار می‌گیرد با بررسی علائم حیاتی و عکس‌العمل‌های او در هنگام پرسش و پاسخگویی می‌تواند تا حدودی صداقت یا دروغگویی شخص را مشخص کند که این دستگاه به دستگاه دروغ‌سنج معروف است. روش‌های روان‌شناسی و روانکاوی دیگری برای بازجویی از متهم و کشف حقیقت وجود دارد حتی استفاده از هیپنوتیزم که می‌تواند در انجام تحقیقات مفید فایده باشد. لکن از آنجایی که روش‌های مذکور جهت تحصیل دلیل قانونی نبوده و مورد پذیرش قانون‌گذار قرار نگرفته است نمی‌تواند مستند و مبنای حکم قضایی باشد (نجارزادگان و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۵).

در صورتی که در تحصیل دلیل اصول قانونی و شرعی رعایت نگردد حتی اگر وسایل ارتکاب جرم نیز کشف شده باشد این ادله از درجه اعتبار ساقط بوده و نمی‌تواند مستند رأی قاضی در دادگاه باشد. همانطوری که قانون‌گذار در ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به صراحت بیان کرده اقراری که از راه شکنجه، اجبار و اکراه به دست آمده باشد فاقد اعتبار و ارزش است. علیرغم اینکه در ماده مذکور به دلیل اقرار اشاره شده است لکن در اصل سی و هفتم قانون اساسی در کنار اقرار، شهادت نیز آورده شده است و جمع این دو ماده این نتیجه را حاصل می‌کند که چه اقرار و چه شهادت از طرق شکنجه و اجبار و اکراه باشد فاقد ارزش قضایی است (فتحی و رضایی، ۱۳۹۸: ۲۵). مطابق قوانین و اسناد بین‌المللی و لایحه منع شکنجه نیز اعترافاتی که از متهم از طریق غیرقانونی اخذ شده باشد و متهم در جلسه دادگاه آنها را انکار نماید از درجه اعتبار ساقط است و نمی‌تواند مبنای حکم دادگاه قرار بگیرد.

۳-۱- آثار عدم رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل

در خصوص ادله اثبات کیفری گذشته از مشروع و قانونی بودن خود دلیل، باید طریق دسترسی به این دلیل نیز شرعی و قانونی باشد. چرا که ادله به دست آمده هرچقدر مهم و تعیین کننده باشد در صورتی که ضوابط شرعی و قانونی و حتی در مواردی اخلاقی در طریق تحصیل آنها رعایت نشده باشد موجب بی اعتباری این دلایل شده و دادرس آنها را از اعداد دلایل خارج نموده و نمی تواند مبنای انشاء رأی باشد.

علیرغم اینکه عنوان اصل مشروعیت تحصیل ادله به صراحت و با این عنوان در قوانین موضوعه نیامده است لکن آثار پذیرش این اصل مترقی از سوی مقنن در قوانین موضوعه اعم از قانون اساسی و قوانین پایین دستی شامل قانون آیین دادرسی کیفری و قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی منعکس شده است. اقتضای پذیرش یک اصل در حفظ حقوق شهروندی و کرامت انسانی افراد جامعه این است که قانون گذار در جهت پاسداشت و حمایت از این اصل باید ضمانت اجرایی قرار دهد تا مانع از نقض این اصل گردد و عملاً تقنین قواعد و قوانین حمایتی از یک اصل ضامن اجرا و تحقق اهداف آن در رویه و رسیدگی قضایی و تبلور نتایج مثبت آن در جامعه می باشد (آقابابایی و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۱۸).

با بررسی و تدقیق در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران ملاحظه می شود که مقنن با اتخاذ دو رویکرد موازی در جهت صیانت و پاسداشت اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری با قراردادن ضمانت اجرایی به صورت پراکنده در قوانین سعی در رعایت این اصل مترقی در دادرسی های کیفری و جلوگیری از نقض آن از سوی مقامات و ضابطین قضایی داشته است. با احصاء این قوانین نهایتاً این نتیجه حاصل می گردد که ضمانت اجرای تعیین شده از سوی قانون گذار در دو رویکرد قابل بررسی و جمع بندی است (حلالخور میرکلا و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۶). دسته اول از این قوانین مواردی است که قانون گذار ضمانت اجرای تحصیل دلیل از طرق غیرشرعی و قانونی را بطلان این ادله و عدم قابلیت استنادپذیری آنها در روند دادرسی دانسته است که عملاً انگیزه این نوع تحصیل دلیل را در مقامات و ضابطین قضایی از بین می برد و دسته دوم از این قوانین شامل مواردی می شود که قانون گذار با وضع مجازات برای متخلفین سعی در پیشگیری از نقض این اصل توسط مقامات و ضابطین قضایی دارد؛ چراکه یکی از مهم ترین ابزارهای قانون گذار جهت رعایت قوانین و صیانت از حقوق افراد و جامعه وضع مجازات برای متخلفین می باشد که با ایجاد بازدارندگی عملاً موجب رعایت قانون می گردد.

۳-۱-۱- بطلان و سلب اعتبار از ادله نامشروع

از اهم ضمانت اجراهایی که قانون گذار جهت صیانت و پاسداری از اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری قرار داده است بطلان و سلب اعتبار از ادله نامشروع است. به عبارت دیگر بطلان این ادله مجازاتی است که برای عدم رعایت شرایط تحصیل ادله وصل شده است (تدین و باقری نژاد، ۱۳۹۰: ۵۲).

بحث این است که آیا اگر نهی تکلیفی به رفتاری که مطابق موازین شرعی و قانونی نیست در فرایند تحصیل دلیل، تعلق بگیرد آیا این نهی تکلیفی مستلزم نهی وضعی و بطلان این ادله تحصیل شده از طریق نامشروع می باشد یا خیر؟ در پاسخ این سؤال دو رویکرد متفاوت وجود دارد. در نظریه اول می توان گفت که اصل بر حجیت دلایل است مگر اینکه دلیلی که از طریق نامشروع تحصیل شده است صریحاً باطل اعلام شده باشد و شیوه نامشروع تحصیل آن موجب ازاله وصف کاشفیت و دللیت آن باشد؛ مانند اقراری که از طریق شکنجه اخذ شده باشد که در این صورت نمی توان این اقرار را نافذ دانست چرا که مضافاً بر عدم مشروعیت طریق تحصیل آن در واقع نیز چنین اقراری ممکن است صرفاً جهت استخلاص از شکنجه و آزار باشد نه اخبار از واقع؛ از نظر گروه دوم همواره میان حکم تکلیفی و حکم وضعی ملازمه وجود دارد و هرگاه به حرمت تکلیفی موضوعی معتقد بودیم باید حرمت وضعی آن که لازمه آن بطلان ادله حاصل شده از طریق نامشروع است را بپذیریم.

از فقهای معاصر حضرت آیت الله مکارم شیرازی درباره عدم اعتبار دلیل تحصیل شده از طریق غیرقانونی می فرمایند: «همانا اقرار ناشی از اکراه، عنف، تهدید یا ضرب و مانند آن اعتباری ندارد و اینکه شنیده می شود برخی از محاکم اینگونه رفتار می کنند چنین اقراری اعتباری ندارد و در شرع نیز اینگونه است.» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۱۳۷).

در بررسی تطبیقی میان حقوق کشورهای مختلف ملاحظه می شود که رویه واحدی در خصوص برخورد با ادله تحصیل شده از طریق غیرقانونی و نامشروع وجود ندارد. حدود سلب اعتبار و عدم توجه به این ادله در میان رویه های قضایی کشورها متفاوت است و حتی ملاحظه می شود که در یک کشور مانند ایران نیز رویکردهای متفاوت و برداشتهای مختلفی از این اصل و نحوه برخورد با ادله تحصیل شده با عدم رعایت این اصل وجود دارد. مثلاً در مواقعی که ادله ای از طریق غیرقانونی و نامشروع تحصیل گردد لکن کاشف حقیقی باشد رویکرد قضات در برخورد با این حقیقت کشف شده متفاوت است برخی با استدلال به اینکه این حقیقت از طریق ادله غیرقانونی کشف شده است آن را نادیده گرفته و اساساً توجهی به آن نمی کنند؛ ولی در مقابل عده ای دیگر از قضات علی رغم اینکه بر عدم مشروعیت طریق تحصیل دلیل و کشف واقع اذعان دارند می گویند حالا که حقیقتی کشف شده ما ملزم به اتباع از آن هستیم و نمی توان این

واقعیت را نادیده گرفت. علت بطلان و سلب اعتبار از دلیل در واقع حاصل عدم رعایت قواعد دادرسی می‌باشد؛ چنان که ملاحظه می‌شود قانون‌گذار در اصل سی و هشتم قانون اساسی به این مهم اشاره کرده و بیان می‌دارد اقرار، شهادت و سوگندی که از طریق شکنجه و تحت اجبار اخذ شده باشد فاقد ارزش قانونی و اعتبار است و بطلان این ادله‌ای را که از طرق غیرقانونی تحصیل شده است را بیان می‌کند که در بند نهم قانون احترام به آزادی‌های مشروع نیز این مهم مورد تأکید قانون‌گذار بوده و ادله‌ای را که از این راه تحصیل گردد فاقد حجیت قانونی و شرعی دانسته است (حاجی زاده و مومنی، ۱۳۹۴: ۸۹). همانطوری که در قانون بالادستی یعنی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این مهم موردتوجه بوده و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز ضمانت اجرایی با رویکرد اعلام بطلان ادله و تحقیقات صورت گرفته برای ادله تحصیل شده از طریق نامشروع وضع شده است. علیرغم اینکه در قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت به بطلان و عدم اعتبار این ادله اشاره نشده است لکن ملاحظه می‌شود که در مواد ۶۰ و ۱۹۵ این قانون اجبار و اکراه متهم و طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده ممنوع اعلام شده است و همچنین در ماده ۱۹۰ این قانون تأکید شده است که باید حق داشتن وکیل به متهم تفهیم گردد و سلب حق تعیین وکیل از سوی متهم ممنوع است (خالقی، ۱۴۰۰: ۶۷). لکن در ماده ۴۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری که در خصوص جهات تجدیدنظرخواهی می‌باشد در دو بند الف و ب این ماده «ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه» و «ادعای مخالف بودن رأی با قانون» از جهات مورد پذیرش تجدیدنظر در رأی دانسته شده است که به تبع با جمع این ماده با مواد مذکور سابق از قانون آیین دادرسی کیفری که موارد ممنوع در تحقیقات را بیان می‌نماید می‌توان به نتیجه بطلان ادله تحصیل شده از طریق نامشروع رسید چرا که در صورتی رأی صادره قابل تجدیدنظرخواهی به جهات مذکور است که ادله تحصیل شده مغایر با قواعد، فاقد اعتبار و محکوم به بطلان باشد که در نهایت با تجدیدنظرخواهی منجر به نقض حکم دادگاه بدوی که مبتنی بر این دلایل صادر شده است، می‌گردد.

۳-۱-۲- مجازات ناقضان اصل مشروعیت تحصیل دلیل

رویکرد دوم قانون‌گذار در جهت صیانت و تحقق اهداف اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری تعیین مجازات برای خاطیان و ناقضان این اصل و تکالیف مقرر در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی می‌باشد. از دیرباز تعیین مجازات یکی از ابزار مرسوم در حفظ ارزش‌های هر جامعه و رعایت قوانین و مقررات و پیشگیری از زیر پا گذاشتن این ارزش‌ها و قوانین می‌باشد. قانون‌گذار نیز در جمهوری اسلامی ایران با توجه به تأکیدات صورت گرفته در قانون اساسی و آیین دادرسی کیفری بر حفظ

حقوق شهروندی و کرامت انسانی افراد که برخی از این حقوق منبعث از اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری می‌باشد و شامل مواردی همچون ممنوعیت شکنجه و نقض حریم خصوصی افراد و احترام به کرامت انسانی ایشان می‌باشد برای افراد خاطی اعم از مقامات قضایی و ضابطین قضایی و حتی افراد عادی جامعه که با نقض اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری حقوق شهروندی افراد را نقض کنند مجازات تعزیری و مجازات انتظامی در نظر گرفته است (دیانی، ۱۳۹۵: ۱۹). قانون‌گذار در ماده ۵۷۰ از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) در اولین ماده از فصل دهم این قانون که در خصوص تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی می‌باشد در جهت تحقق اهداف قانون اساسی و در خصوص صیانت از حقوق شهروندی و کرامت انسانی افراد به صورت عام چنین مقرر می‌دارد: «هریک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.» ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار در این ماده به صورت عام برای کلیه مقامات و مأمورین دولتی که به نحوی با نقض قانون اساسی حقوق مقرر در این قانون برای افراد جامعه را زیر پا بگذارند مجازات سنگینی در نظر گرفته است که علاوه بر انفصال و محرومیت از مشاغل دولتی ایشان را مستحق حبس تعزیری تا سه سال نیز دانسته است. همانطور که گفته شد در اصل سی و هشتم قانون اساسی اقرار و سوگندی و شهادت و حتی هر گونه کسب اطلاعاتی که تحت اجبار و شکنجه گرفته شده باشد فاقد ارزش و اعتبار دانسته شده و مقنن در این اصل چنین مقرر می‌نماید: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» ملاحظه می‌شود که در انتهای این ماده به مجازات متخلف از مفاد این ماده اشاره شده است که تعیین مجازات متخلفین مطابق قانون مجازات اسلامی و مقرر ماده ۵۷۰ قانون تعزیرات پیش گفته می‌باشد که این تعیین مجازات عملاً در جهت حفظ و صیانت از اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری با تعیین ضمانت اجرای کیفری رأی ناقضان آن می‌باشد (تدین و باقری نژاد، ۱۳۹۰: ۱۰). قانون‌گذار در ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح می‌کند که سؤالات بازپرس باید «مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است.» ملاحظه می‌شود که در این ماده تحقیقات و جمع‌آوری دلیل از طریق اکراه و اجبار متهم و حتی از طریق اغفال او و سوءاستفاده از حالات نفسانی وی که به نوعی ریشه غیراخلاقی دارد ممنوع اعلام شده است و همان گونه که سابقاً بیان شد این نوع دلایل به دست آمده محکوم به بطلان و عدم

اعتبار است، قانون‌گذار در ماده ۱۹۶ این قانون نیز محکومیت انتظامی تا درجه چهار را برای قاضی متخلف از مفاد ماده ۱۹۵ این قانون در نظر گرفته است که این محکومیت انتظامی با مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون تعزیرات قابلیت جمع داشته و هر دو مجازات تعزیری و انتظامی در خصوص قاضی متخلف در صورت اجبار و اکراه متهم و طرح سؤالات تلقینی قابل‌اعمال و اجراست.

۴- جایگاه حریم خصوصی در حقوق ایران

«جایگاه حریم خصوصی و راهکارهای حمایت از آن در قوانین پس از انقلاب چندان موردتوجه قرار نگرفته است.» (آقابابایی و موسوی، ۱۳۹۲: ۲۰). ملاحظه می‌شود که قانون اساسی جمهوری اسلامی پیرامون حقوق خصوصی افراد جامعه مواضع مناسبی اتخاذ نموده. در فصل سوم قانون اساسی که عنوان آن حقوق ملت است به حریم خصوصی افراد توجه ویژه‌ای شده و با وضع اصول متعدد قانون اساسی درصدد صیانت از حفظ حقوق آحاد ملت و حفظ حریم خصوصی افراد و کرامتی انسانی ایشان برآمده است. مقنن در اصل ۲۲ قانون اساسی مصونیت حیثیت، جان، مال، مسکن، حقوق و شغل افراد جامعه را از هرگونه تعرض مورد تأکید قرار داده و همچنین در ماده ۲۵ این قانون با توجه ویژه به آزادی در ارتباطات افراد جامعه هرگونه تجسس در ارتباطات افراد اعم از شنود و استراق سمع و بازرسی و نرساندن مراسلات افراد و... را ممنوع اعلام نموده است.

یکی از حقوق مهم افراد در جامعه که در اصل ۲۲ به آن اشاره شده است حریم خصوصی افراد است که به مصونیت آن از هرگونه تعرضی تأکید شده و با توجه به اصل ۲۰ قانون اساسی که بیانگر اصل مساوات میان افراد جامعه است تمامی آحاد ملت اعم از زن یا مرد بودن و مسلمان و غیرمسلمان بودن از مصونیت تعرض به حریم خصوصی بهره‌مند می‌باشند و رعایت کرامت انسانی و حفظ حریم خصوصی حق تمامی افراد جامعه اسلامی دانسته شده است.

در فرمان امام خمینی (ره) که پس از تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۶۰ صادر شده و به فرمان ۸ ماده امام مشهور است نیز به رعایت حریم خصوصی افراد تأکیدات متعدد شده است. لکن علیرغم اصول موضوعه قانون اساسی و تأکیدات مرحوم امام در فرمان هشت‌ماده‌ای خود، همچنان خلأ موجود در قوانین مدون کشور در جهت صیانت عملی از حریم خصوصی و وجود قانونی با ضمانت اجرا برای حفظ این ارزش‌ها محسوس بوده و اساساً این قوانین پاسخگوی نیاز واقعی جامعه در جهت حفظ حریم خصوصی نبوده چرا که قوانین بالادستی مانند قانون اساسی بدون تدوین قوانین پایین‌دستی و آیین‌نامه‌های اجرایی نمی‌تواند اصول و ارزش‌های مدنظر مقنن را در سطح جامعه پیاده‌سازی کند و چنانچه پیش‌تر گفته شد با عدم وجود ضمانت‌اجراهایی مانند

وضع مجازات برای ناقضان حریم خصوصی ارزش‌های مذکور در قانون اساسی، در حد شعار و بدون تحقق خارجی در جامعه باقی خواهد ماند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۲۴۰).

احساس این خلاء قانونی سبب شد در سال ۱۳۸۲ قانون‌گذار در جهت حفظ حقوق شهروندی افراد من جمله حریم خصوصی ایشان به فکر تدوین قانونی مستقل در این خصوص بیفتد که این اقدام مقنن منجر به تصویب ماده واحده «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» در سال ۱۳۸۲ شد، متأسفانه ملاحظه می‌گردد که در این قانون نیز همانند قانون اساسی به حفظ حقوق شهروندی و ارزش‌های مذکور در قانون اساسی در خصوص حقوق ملت اشاره شده و نقض حقوق مذکور در آن ممنوع اعلام شده است لکن این قانون نیز دستاورد جدیدی نداشته و تکرار و تأکید بر قوانین موجود سابق بوده و عملاً با توجه به عدم وضع ضمانت اجرای مناسب در خصوص نقض حقوق شهروندی و حریم خصوصی افراد، بیشتر در حد یک بیانیه می‌باشد تا قانون الزام‌آور دارای ضمانت اجرا.

علیرغم موارد مذکور و نبود قانون مدون و منسجم دارای ضمانت اجرا جهت صیانت از حریم خصوصی لکن همان‌گونه که در قانون اساسی نیز تأکید شده در قوانین پایین‌دستی اعم از قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری به صورت پراکنده و به مناسبت موضوع، موادی از این قوانین در جهت حفظ حقوق شهروندی و حفظ حریم خصوصی افراد آثاری برای عدم رعایت آنها اعم از بطلان اقدامات و مجازات ناقضان این اصول وضع شده است که پیش‌تر به برخی از آنها در این نوشتار اشاره شده است.

۵- فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی (ره)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به فضای ایجاد شده در شرایط انقلابی کشور، با توجه به عدم استقرار کامل نهادهای حاکمیتی و ایجاد امنیت کامل اجتماعی مانند شرایطی که پس از انقلاب‌ها و تزلزل در حاکمیت در جوامع ایجاد می‌شود برخی افراد ناآگاه و افراطی در خلاء عدم حاکمیت کامل قانون بر اوضاع کشور، به صورت خودسر و سلیقه‌ای دست به اقداماتی می‌زدند و در مواردی برخی افراد ناآگاه و بعضاً مغرض به نام اسلام و انقلاب حریم خصوصی افراد را مورد تعرض قرار داده و با هجوم به محل کار و حتی منازل افراد موجب هتک حیثیت و آزار و توهین به ایشان می‌شدند. با توجه به اینکه اقدامات این افراد برخلاف قانون، ضوابط شرع و اخلاق حسنه بود مرحوم امام خمینی (ره) به شدت با این نوع رفتارها مخالفت نموده و این رفتارها را موجب فساد در جامعه دانسته‌اند.

با توجه به اوضاع موجود جامعه در آن برهه علیرغم تأکیدات قانون اساسی بر رعایت حقوق شهروندی و حریم خصوصی افراد رهبر کبیر انقلاب احساس ضرورت نموده و علیرغم

سخنرانی‌ها و توصیه‌های خود به مسئولین امر در جلسات عمومی و خصوصی این بار جهت جلوگیری از این انحرافات در سال ۱۳۶۱ فرمانی تاریخی را خطاب به مسئولان اجرایی و قضایی کشور صادر نمودند که به فرمان ۸ ماده‌ای امام خمینی (ره) مشهور شد.

امام راحل در این فرمان علاوه بر اینکه افراد، مأمورین و ضابطین را از هرگونه اقدام غیرقانونی و غیرشرعی که موجب هتک حیثیت افراد و نقض حریم خصوصی ایشان می‌گردد با هر انگیزه‌ای بر حذر می‌دارد مسئولان اجرایی و قضایی کشور را نیز مکلف بر پیشگیری و نظارت بر این امور و مجازات متخلفین می‌نماید.

«مبنای مخالفت امام با اقداماتی از این دست، آن است که ایشان آنها را از مصادیق ظلم می‌دانند و از آنجاکه از دید امام بزرگ‌ترین هدف اسلام و انقلاب اسلامی برقراری عدالت است به شدت با آنها مخالفت و تأکید می‌کند که حتی به نام دین هم این اقدام‌ها قابل توجیه نیست» (نजारادگان و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۴).

فرمان امام خمینی رضوان الله علیه در ۸ بند یا ماده تنظیم شده است. در بند اول ایشان به دقت و سرعت در تهیه قوانین و توجه به لحاظ موازین شرعی در تدوین قوانین تأکید دارند. در بخشی از بند اول می‌فرمایند: «قوانین مربوطه به مسائل قضایی که مورد ابتلای عموم است و از اهمیت بیشتری برخوردار است در رأس سایر مصوبات قرار گیرد و کار قوه قضاییه به تأخیر یا تعطیل نکشد و حقوق مردم ضایع نشود» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۴۰).

ایشان در بند دوم دستورات خود به سرعت و دقت در رسیدگی به صلاحیت خود قضات و کارمندان و متصدیان امور اشاره دارند و اینکه رسیدگی به صلاحیت و تأیید صلاحیت افراد برای تصدی امور نباید به صورت سلیقه‌ای باشد و تأکید بر این نکته که «میزان، حال فعلی افراد است» در ماده سوم از فرمان ۸ ماده‌ای مرحوم امام (ره) بر لزوم عمل همه دستگاه‌ها و ارگان‌های کشور به عدالت اسلامی و با حفظ استقلال و بدون ملاحظات غیرقانونی و توجه به مقامات و مناصب افراد تأکید داشته و خطاب به قضات می‌فرمایند: «با استقلال و قدرت، بدون ملاحظه از مقامی احکام اسلام را صادر کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۴۰).

امام (ره) در بند چهارم از فرامین خود به ممنوعیت بازداشت و توقیف افراد و احضار آنها بدون حکم قضایی اشاره داشته و می‌فرمایند: «هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد، توقیف کند یا احضار نماید، هرچند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۴۰).

امام خمینی (ره) در بند پنجم از فرمان ۸ ماده‌ای خود به موضوع ممنوعیت تصرف و مصادره اموال مردم بدون حکم قانونی پرداخته و چنین می‌فرمایند: «هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر

به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۴۰)

بند ششم از این فرمان بیان گر مقصود اصلی مرحوم امام (ره) از صدور این فرمان تاریخی بوده که در آن بر رعایت حریم خصوصی افراد اشاره داشته و مرحوم امام (ره) در این بند به مسئله حفظ حریم شخصی افراد می‌پردازد. ایشان در این ماده می‌فرمایند: «هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۴۱)

در بند هفتم معمار کبیر انقلاب با توجه به عمق بینشی که داشته‌اند موارد استثناء در مواد و کلیات مطروحه در بندهای قبلی را بیان می‌فرمایند که رعایت آنها لازمه حفظ دوام و قوام جامعه و انضباط اجتماعی است و ایشان در این بند چنین آورده‌اند: «آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه کوچه و بازار و برای نقشه‌های خرابکاری و افساد فی الأرض اجتماع می‌کنند.» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۴۲).

مرحوم امام (ره) در بند آخر فرامین خود ضمن ابلاغ دستور خود مجریان و ناظران این دستورات را نیز مشخص می‌نمایند.

۵-۱- حفظ حریم خصوصی افراد در فرمان امام (ره)

معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) در این فرمان تاریخی خود با توجه به بینش عمیق سیاسی و اجتماعی و تبصری که در فقاقت داشته‌اند با درک لزوم رعایت حقوق شهروندی افراد و حفظ حریم خصوصی ایشان در بحبوحه سال‌های ابتدایی انقلاب و درگیری کشور در جنگ با دشمن خارجی این فرمان را خطاب به قوای قضاییه و مجریه کشور صادر فرموده و همواره پیگیر اجرای دقیق آن در تمام ابعاد و گستره کشور بودند. چرا که از نظر این فقیه نامور ماحصل انقلاب اسلامی و اسلام عزیز برای آحاد جامعه اجرای عدالت به معنای واقعی کلمه

می‌باشد و این عدالت حاصل نمی‌گردد مگر با حفظ کرامت انسانی افراد جامعه. به همین منظور امام راحل در این فرمان خود به رعایت حریم خصوصی افراد در جامعه تأکید داشته و مواردی را که در معرض تعرض افراد افراط‌گرا و ناآگاه بوده با ذکر مصادیق و تصریح به آن به صورت شفاف بیان نموده تا کسی نتواند در سایه ابهام حریم خصوصی افراد و کرامت انسانی ایشان را نقض نماید (فتحی و رضایی، ۱۳۹۸: ۳۱).

ایشان در این فرمان به رعایت تمامی حوزه‌های حریم خصوصی افراد جامعه اعم از حریم اطلاعات، حریم جسمانی، حریم مکانی و حریم ارتباطی ایشان تأکید داشته که نشان از جامعیت نگرش ایشان بر ابعاد مختلف حریم خصوصی افراد است و علیرغم اینکه ایشان در جایگاه یک حقوقدان و به صورت تخصصی در این حوزه سخن نمی‌گویند لکن توجه به متن فرمان ایشان حاکی از جامعیت نگاه ایشان به ابعاد مختلف آزادی شخصی افراد است.

امام راحل حتی در روزهای اوج مبارزات پیش از پیروزی انقلاب نیز که خشونت‌ها افزایش یافته بود بر رعایت حقوق افراد و حفظ حریم خصوصی ایشان تأکید داشته و می‌فرماید: «ملت محترم ایران باید بداند که دیانت مقدس اسلام، جان و مال انسان‌ها را محترم شمرده و تجاوز به آن را از محرمات عظیمه می‌داند» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۴۲). حتی در نظریه ایشان در باب ولایت فقیه نیز علیرغم اینکه ایشان به ولایت مطلقه فقیه اعتقاد دارند لکن ورود به حوزه شخصی افراد را جایز ندانسته و نقض حریم خصوصی را مسقط ولایت می‌دانند. ایشان «در بحث ولایت فقیه نیز بین مسائل اجتماعی و حریم شخصی افراد تمایز قائل می‌شود و زندگی خصوصی افراد را مشمول گستره ولایت فقیه نمی‌داند» (فقیه، ۱۳۸۹: ۲۵).

۵-۲- اصل مشروعیت تحصیل دلیل در فرمان امام (ره)

امام راحل در ماده ششم از فرمان ۸ ماده‌ای خود خطاب به دستگاه قضایی و مسئولین اجرایی کشور تأکید دارند هیچ کس حق ندارد به نام کشف جرم به خانه یا محل کار شخصی افراد وارد شود و یا اعمال غیرانسانی و غیراسلامی انجام دهد و همچنین بیان می‌کنند هیچ کس حق ندارد به بهانه کشف جرم تلفن افراد را کنترل نماید و یا برای مردم شنود بگذارد و دنبال اسرار آنها باشد و ایشان تمام این افعال را جرم و گناه می‌دانند.

تمامی موارد مطروحه در کلام امام (ره) ذکر مصادیق اصل لزوم مشروعیت تحصیل دلیل در امور کیفری می‌باشد و در واقع ایشان با ذکر این مصادیق درصدد بیان این اصل کلی حاکم بر دادرسی کیفری می‌باشند که بخش مهمی از حقوق شهروندی و حریم خصوصی افراد را تشکیل می‌دهد.

در ادامه در بند هفتم ایشان موکداً بر بطلان ادله تحصیل شده از طرق غیرقانونی و نامشروع

اشاره داشته و بیان می‌کند اگر مأمورین ندانسته و از روی خطا نیز به منازل و محل کار افرادی وارد شدند و در حریم شخصی ایشان با اسباب و آلات جرم و حتی مواد مخدر نیز روبرو شدند حق گزارش دادن این موارد را ندارند و نباید این موضوعات را پیش دیگران افشار کنند و افشار این مطالب را از مصادیق اشاعه فحشا دانسته و به‌عنوان بزرگ‌ترین گناهان کبیره معرفی نموده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۴۴).

علیرغم اینکه مرحوم امام (ره) به عنوان یک حقوقدان و به صورت مستقیم در صدد بیان اصل مشروعیت تحصیل ادله نبوده‌اند لکن موارد مذکور در کلام ایشان مصادیق لزوم رعایت اصل مشروعیت تحصیل ادله و تبعات عدم رعایت آن است و در فرمان خود به صورت کلی به مفاد این اصل مترقی اشاره و در مواردی تأکید دارند.

۵-۳- توازن اصل آزادی و مشروعیت تحصیل دلیل در فرمان امام (ره)

همانطور که پیش‌تر گفته رفت اصل آزادی تحصیل دلیل در صدد کشف واقعیت و حفظ امنیت اجتماعی جامعه است معذالک در مقابل آن اصل مشروعیت تحصیل ادله نیز وجود دارد که در مواردی این دو اصل مترقی با یکدیگر تزامن و تعارض داشته و لزوم رعایت حریم خصوصی افراد و حقوق شهروندی ایشان دایره اصل آزادی تحصیل دلیل را تحدید می‌کند و به قضات و ضابطین قضایی اجازه نمی‌دهد برای کشف جرم و واقع، وارد حریم خصوصی افراد شوند و آن را نقض کنند.

امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در عین زعامت فقهی زعامت سیاسی جامعه را نیز بر عهده داشته و بینش عمیق فقهی ایشان سبب شده این نکته از نگاه ایشان نیز مغفول نمانده و مراقبت داشته‌اند که در عین رعایت حقوق شهروندی و حریم خصوصی افراد جامعه، امنیت جامعه نیز حفظ گردد و برخی افراد مغرض با سوءاستفاده از حریم خصوصی موجب اخلال در امنیت جامعه و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی نگردند و با توجه به این نکته، در ماده هفتم از فرمان خود استثنایی را بر اصل رعایت حریم خصوصی افراد بیان نموده می‌فرمایند: «آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه کوچه و بازار و برای نقشه‌های خرابکاری و افساد فی الأرض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۴۶).

ملاحظه می‌شود که ایشان ضمن توجه به اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری و رعایت حقوق شهروندی و حریم خصوصی افراد به اصل آزادی تحصیل دلیل در جهت حفظ امنیت جامعه نیز توجه داشته و در کلام ایشان عملاً توازن میان این دو اصل رعایت شده و حدود و

ثغور رعایت این دو اصل در موارد تزاحم و تعارض مشخص گردیده است چنانچه ملاحظه می‌شود ایشان موارد محاربه و افساد فی الارض را رعایت حریم خصوصی افراد دانسته و حفظ امنیت جامعه را بر آن مقدم شمرده‌اند (ورایی و رضایی فر، ۱۳۹۷: ۱۶). رعایت این توازن سبب می‌شود مجرمین نتوانند در پناه حریم خصوصی به امنیت جامعه که از لوازم بقای هر اجتماع انسانی می‌باشد لطمه بزنند چرا که مصلحتی چون امنیت جامعه بر رعایت حریم شخصی و مصالح فردی ارجحیت دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی مکاتب و نظام‌های حقوقی مختلف نشان می‌دهد درباره امکان تحصیل دلیل توسط دادرس در نظام‌های مختلف دادرسی به تبع باور بر فردگرایی و لیبرالیسم یا جمع‌گرایی و سوسیالیسم، اختلاف نظر وجود دارد. فردگرایان بر بی‌طرفی دادرس با تأکید بر اصل مشروعیت تحصیل دلیل و رعایت حریم خصوصی شهروندان و جمع‌گرایان بر نقش فعال دادرس باتکیه بر اصل آزادی تحصیل دلیل تأکید دارند. امروزه دو نظام فوق برای نزدیک شدن به یکدیگر گام‌هایی را برداشته‌اند؛ بر همین اساس معرفی کشوری که به گونه مطلق قاعده منع تحصیل دلیل و یا عکس آن را اجراء نماید، دشوار است. مقنن نیز در اصل ۱۵۶ قانون اساسی در مقام پذیرش اصالت فرد یا اجتماع، نظریه میانه‌ای را پذیرفته و قوه قضائیه را پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی دانسته است. همچنان که در خصوص علم قاضی ضرورت احقاق حق مقید به در معرض تهمت قرار نگرفتن دادرس گردیده (مستفاد از مواد ۱۳۳۵ قانون مدنی و ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی) و جمع بین عدل و نظم شده است.

در فرمان هشت‌ماده‌ای امام راحل (ره) نیز ظرافت و نکته‌سنجی ایشان و توجه به جمیع جهات مشهود است که ایشان در عین توجه به کرامت و آزادی شهروندان به امنیت ایشان نیز توجه داشته و امنیت عمومی جامعه را مقدم به موارد پیش‌گفته می‌داند و احترام به آزادی افراد و حریم خصوصی ایشان را تا جایی محترم می‌شمارد که محل امنیت اجتماعی مردم نباشد؛ چراکه بر هر فرد آگاهی روشن است که مصلحت امنیت عمومی بر سایر مصالح اجتماعی اولویت داشته و در سایه امنیت است که جوامع می‌توانند با حفظ بقاء خود آزادی‌های مشروع و افراد و کرامت انسانی ایشان را حفظ کنند؛ و این همان دقت نظر لازم در حفظ مرز میان "اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری" و "اصل آزادی تحصیل دلیل" است که اجازه نمی‌دهد برای حفظ آزادی، امنیت قربانی گردد و در مقابل نیز حفظ امنیت بهانه‌ای برای نقض حریم خصوصی افراد و سلب آزادی‌های مشروع شهروندان در جامعه باشد. حفظ حقوق شهروندی و کرامت انسانی افراد و مبانی آن پیش از آنکه در قوانین مدون کشورهای جهان و همچنین قوانین بین‌المللی دیده شود در ادیان الهی خاصه در دین مبین اسلام به صورت مشروح تبیین و بر رعایت اصول آن تأکید شده و در آموزه‌های شرعی و اخلاقی بر رعایت آن‌ها سفارشات فراوانی صورت گرفته تا جایی که احترام به افراد بالاتر از احترام به کعبه معرفی شده است کعبه‌ای که قبله‌گاه مسلمانان بوده و خانه خدا خوانده می‌شود. در جمهوری اسلامی نیز که متشکل از دو رکن جمهوریت و اسلامیت می‌باشد همواره رعایت مبانی دین مبین اسلام مورد تأکید بوده و اصول قانون اساسی مبتنی بر

آن تدوین شده است که رعایت حریم خصوصی افراد و کرامت انسانی ایشان از اهم این تأکیدات می‌باشد.

در کلام امام خمینی غیر از اموری که مربوط به حق الله محض باشد، در رابطه با تحصیل دلیل اظهار نظر نشده است، اما ایشان نیز همانند مقنن به هر دو مصلحت توجه نموده و در دیدگاه امام نه دادرس اختیار مطلق جهت پرداختن به امور موضوعی دارد و نه کاملاً از این امر منع شده است. از یک سو بر بی طرفی دادرس و در معرض تهمت قرار نگرفتن او اشاره شده و از سوی دیگر بر ضرورت کشف حقیقت تأکید شده است. ایشان در رابطه با جواز تلقین دلیل در حالتی که دادرس از ذی حق بودن طرف دعوا آگاه بوده و حجت بودن علم قاضی، نقش فعالی را برای دادرس در خصوص امور موضوعی به رسمیت شناخته است، اما برخی دیگر از فتاوی ایشان در خصوص لزوم رعایت مساوات بین اصحاب دعوا، ممنوعیت تلقین دلیل (به غیر از فرض اشاره شده در فوق)، جواز واگذاری قضاوت به دیگری در فرضی که دادرس بر ذی حق بودن یکی از اصحاب دعوا آگاه می باشد و عدم امکان صدور حکم بر اساس علم توسط قاضی غیر مجتهد، گواه تلاش ایشان جهت محدود نمودن اختیارات دادرس به اصل بی طرفی است. بر همین اساس نمی توان دیدگاه منتخب در خصوص تحصیل دلیل را مغایر با نظر امام خمینی دانست.

همان گونه که گفته رفت ادله اثبات کیفری از اهمیت خاصی در فرایند رسیدگی جزایی برخوردار است چرا که سنگ بنای پرونده ها و فرایند دادرسی کیفری را ادله ارائه شده از سوی طرفین پرونده و همچنین ادله کشف شده از سوی قاضی و ضابطین قضایی تشکیل می‌دهد فلذا در عین اینکه این ادله باید خود جز امور قانونی و مورد تأیید مقنن باشند روش کشف این ادله و تحصیل آنها نیز باید مطابق قانون و شرع انور و حتی اخلاق حسنه باشد.

علی رغم اینکه در قانون به صراحت ممنوعیت تحصیل دلیل از طرق غیر قانونی و نامشروع که مستلزم نقض حریم خصوصی افراد است بیان شده است که حکایت از حرمت تکلیفی این افعال دارد لکن در خصوص حرمت وضعی و قابلیت استنادپذیری این ادله به صورت جامع تعیین تکلیف نشده است و علی رغم اینکه نسبت به حکم وضعی ادله‌ای مانند اقراری که از راه شکنجه تحصیل شود ضمانت اجرای بطلان تعیین شده است لکن در خصوص سایر دلایل خصوصاً امارات کشف شده تعیین تکلیف صورت نگرفته است.

به عنوان نمونه اگر به واسطه بازرسی و تفتیش غیر قانونی ضابطین قضایی از شخصی آلات و ادوات ارتکاب جرم و اشیاء ممنوعه کشف گردد؛ مانند اینکه از شخصی مواد مخدر یا اسلحه کشف شده باشد، در این موارد در قانون تکلیف قاضی نسبت به اموال مکشوف و وضعیت استناد به آنها به عنوان آلات و ادوات جرم که می‌تواند از قرائن و امارات اثبات جرم و مقدمات علم قاضی باشد تعیین تکلیف نشده است و روشن نمی‌باشد حال که وسیله مجرمانه مانند سلاح گرم

کشف شده است با توجه به اینکه طریق کشف آن غیرقانونی بوده آیا قاضی باید دستور اعاده به وضع سابق و تحویل سلاح به صاحب آن را بدهد یا در این وضعیت حق چنین کاری را ندارد و نمی‌توان به صرف غیرقانونی بودن طریق کشف شیء ممنوعه آن را به متهم مسترد نمود.

به عبارت فنی علیرغم اینکه حکم تکلیفی در مواردی که ادله ای از طریق غیرقانونی و با نقض حریم خصوصی افراد تحصیل شده بیان شده است و حتی ضمانت اجرای کیفری نیز برای آنها پیش بینی شده لکن در خصوص قابلیت استناد این ادله و حکم وضعی آنها مواجه با سکوت قانون هستیم که به تبع آن موجب تشتت آراء در رویه قضایی شده است و خلاء قانون گذاری در این خصوص به وضوح مشهود است.

آنچه مطابق اصل است تلازم حکم تکلیفی و حکم وضعی با یکدیگر می باشد، چرا که قائل بودن به استنادپذیری و حجیت این ادله با حرمت تکلیفی و ممنوعیت قانونی تحصیل آنها در تعارض است مگر در مواردی که مصلحتی اهم بر مصلحتی دیگر فائق آید؛ مانند بیان مرحوم امام در فرمان حاج ماده خود در خصوص کشف دلایلی که حاکی از افساد فی الارض و تدارک برای محاربه با نظام جمهوری اسلامی است که قطعاً در این موارد حفظ امنیت اجتماعی مصلحتی اهم است که بر سایر مصالح چون حفظ حریم خصوصی افراد و رعایت حقوق شهروندی ایشان اولویت دارد، لکن همچنان حقوق مدون ایران مستحق تعیین موازین دقیق در این خصوص می باشد تا به صورت واضح و روشن برای قضات و ضابطین قضایی حدود و ثغور این مصالح مشخص گردد تا مانع از برخورد سلیقه ای و صدور آرای متشتت در تعیین مصادیق اهم و مهم و در برخورد با ادله کشف شده از طرق غیرقانونی باشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
۱. آقابابایی، حسین؛ و موسوی، ریحانه. (۱۳۹۲). حریم خصوصی، اجرای قانون و ادله اثبات دعوی کیفری در حقوق اسلام. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۳(۴)، ۱۹-۳۵.
 ۲. تدین، عباس؛ و باقری نژاد، زینب. (۱۳۹۰). تضمین دادرسی منصفانه در پرتو اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری. *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۴(۵۳)، ۲۱۵-۲۴۳.
 ۳. حاجی زاده، محسن؛ و مؤمنی، عابدین. (۱۳۹۴). نظریه اعتبار خبر واحد در دماء در ترازوی نقد. *نشریه فقه*، ۲۲(۸۳)، ۱۳۱-۱۵۶.
 ۴. حرعاملی، محمد. (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. قم: انتشارات آل‌البیت.
 ۵. حالانخور میر کلامهدی؛ تدین، عباس؛ و گلدوست جویباری، رجب. (۱۳۹۹). اصول و قواعد فقهی و حقوقی متناظر بر تحصیل دلیل در حقوق کیفری ایران با تأکید بر رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی. *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۲۰(۱۱)، ۱۶۷-۱۸۷.
 ۶. خالقی، علی. (۱۴۰۰). *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
 ۷. دینانی، عبدالرسول. (۱۳۹۵). *ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری*. تهران: انتشارات تدریس.
 ۸. زراعت، عباس. (۱۴۰۰). *بطلان در آیین دادرسی کیفری*. تهران: انتشارات میزان.
 ۹. طاهری بجد، محمدعلی. (۱۳۹۳). *تعیین رژیم دلایل کیفری در نظام قضایی ایران، علوم جنایی*، در: *مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری*. تهران: انتشارات سمت.
 ۱۰. فتحی، مرتضی؛ و رضایی، رضا. (۱۳۹۸). توازن اصل آزادی تحصیل دلیل با قاعده استثنایی (بی اعتباری ادله تحصیلی به روش غیر قانونی) از منظر فقه، حقوق ایران و حقوق غرب (با تأکید بر آمریکا و آلمان). *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۶(۲)، ۵۵-۸۶.
 ۱۱. فقیه، عباس. (۱۳۸۹). *حریم خصوصی شهروندان با تأکید بر فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی (ره)*. *نشریه فقه و حقوق ارتباطات*، پیش شماره، ۱۰۹-۱۳۲.
 ۱۲. کاظمی، فاضل. (۱۳۶۵). *مسالك الافهام الى آیات الاحکام*. تهران: نشر مرتضوی.
 ۱۳. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۲). *ادله اثبات دعوا*. تهران: انتشارات میزان.
 ۱۴. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۶). *قواعد فقه بخش جزئی*. تهران: انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.
 ۱۵. موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۶۸). *تحریر الوسیله*. قم: موسسه مطبوعات دارالعلم.

۱۶. موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۶۸). *صحیفه / مام*. قم: موسسه تنظیم و نشر امام و آثار امام خمینی (ره).
۱۷. مهریزی، مهدی. (۱۳۸۷). *دولت دینی و حریم خصوصی (بازخوانی فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی (ره). فصلنامه حکومت اسلامی، ۱۲، ۴۵-۶۹.*
۱۸. نجارزادگان سرابی، زهرا؛ صادقی، هادی؛ و ناظمی اشنی، محمدحسین. (۱۴۰۱). *تحصیل دلیل در اجتهاد قضایی. نشریه حقوقی دادگستری، ۸۶(۱۱۸)، ۱۳۷-۱۶۱.*
۱۹. وراپی، اکبر؛ و رضایی فر، ساسان. (۱۳۹۷). *الزامات نهاد کشف جرم در رعایت اصل مشروعیت دلیل ناظر بر اقرار. فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۱(۴۲)، ۱-۲۶.*